

سیاستگذاری خارجی دولت های یازدهم و دوازدهم در انطباق با سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴

فاطمه رشیدی^۱

مالک ذوالقدر^{۲*}

بهمن کشاورز قاسم‌آبادی^۳

عباس مرادی^۴

چکیده

مهمترین اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی (افق ۱۴۰۴) کشور آورده شده تا دستگاه سیاست خارجی موظف باشد عملکردی مطابق با این اهداف و سیاست‌ها داشته باشد. با توجه به نزدیکی افق مدنظر در این سیاست و ضرورت ارزیابی عملکرد ۸ ساله اخیر دولت حسن روحانی، این پژوهش با هدف ارزیابی سیاستگذاری خارجی دولت های یازدهم و دوازدهم در انطباق با سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴ به انجام رسیده است. این پژوهش با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی درصدد است تا با ارائه یک مدل ارزیابی، ضمن تشریح اهداف سیاست خارجی سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران، عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور را طی سالهای ۱۳۹۲-۱۴۰۰ در رابطه با پرونده هسته‌ای و برجام، ظهور داعش، پاندمی کرونا، روابط با غرب و شرق و کشورهای منطقه و... را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در بحث انطباق عملکرد دولت های یازدهم و دوازدهم با سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴ نمی‌توان به طور قاطع ادعای انطباق یا عدم انطباق را مطرح نمود با این حال موارد انطباق عملکرد را می‌توان شامل: «روابط با شرق»، «روابط و تقابل با آمریکا»، «اقدامات مرتبط با ظهور داعش و تروریسم بین‌الملل» و موارد عدم انطباق شامل: «مسئله هسته‌ای و برجام»، «روابط با اروپا»، «روابط با کشورهای منطقه» و «مسئله پاندمی و شیوع ویروس کرونا»، برشمرد.

واژگان کلیدی: سیاستگذاری خارجی، سند چشم‌انداز، ارزیابی و تطبیق عملکرد، اعتدال‌گرایی، دولت یازدهم و دوازدهم

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران. (نویسنده مسئول)

* malek.zolqadr@yahoo.com

۳ و ۴. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و چهار، صص ۲۳۰-۱۹۹

مقدمه

بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تعیین سیاست‌های کلی نظام از اختیارات مقام رهبری می‌باشد که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را تأیید و جهت اجرا به رئیس‌جمهور و دیگر قوا ابلاغ می‌کند. در این راستای سند چشم‌انداز بیست‌ساله می‌تواند انسجام لازم در این تکلیف قانونی حاصل نماید. بنابراین سیاست‌های کلی نظام برای جهت‌گیری و خط‌مشی نظام در راه رسیدن به اهداف و آرمان‌های مورد نظر قانون اساسی است که با الهام از سند چشم‌انداز تهیه و برای اعمال قانونگذاری و اجرایی به دولت ابلاغ می‌گردد. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در آذر ۱۴۰۴ هجری شمسی، بر اساس مطالعات جامع کارشناسی مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصول و جهت‌گیری‌های مقام معظم رهبری، در سال ۱۳۸۲ تصویب و به قوای مختلف ابلاغ گردید، و از ابتدای سال ۱۳۸۴ عملاً مبنای قانون‌گذاری کشور و تصمیمات کلان نظام و سیاست دولت شده است.

ضرورت تدوین چشم‌انداز برای هر سازمانی از جمله کشورها به این خاطر است که اولین مرحله در تحول هر سازمانی با ترسیم چشم‌انداز شروع می‌شود و در آن، سرنوشت آینده سازمان در مقایسه با زمان حال در بلندمدت تبیین می‌گردد. با تعیین چشم‌انداز، قابلیت، استعدادها و منابع مادی و انسانی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد تا به صورت جهشی، به آینده ترسیم شده، دست پیدا کنند. پس به طور خلاصه چشم‌انداز را می‌توان آرمان قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلندمدت قلمداد کرد که متناسب با ارزش‌ها و آرمان‌های نظام و مردم تعیین می‌گردد. از آنجا که ایران در آذر ۱۴۰۴ «کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» توصیف می‌شود، سیاست‌گذاران نظام، این سند را مبنای تنظیم و تدوین سیاست‌های برنامه‌های خود قرار داده و افق جهت‌گیری کلی فعالیت‌های کشور را در حوزه‌های مختلف را مشخص نموده‌اند.

اهداف سیاست خارجی کشور در سند چشم‌انداز، نشانگر لزوم اتخاذ استراتژی تعامل فعال و سازنده با نظام بین‌المللی است. سیاست خارجی کشور در افق این چشم

انداز، مبتنی بر همکاری و هماهنگی در روابط بین‌الملل است و ایران همواره تلاش نموده تا دیگر کشورها را نسبت به حسن نیت خود قانع سازد. این نوع سیاست، همان طور که از تنش با نظام بین‌الملل پرهیز می‌کند، به معنای وادادگی در مقابل قدرت‌های بزرگ و پذیرش وضع موجود در نظام بین‌المللی نیست؛ بلکه با استفاده از قواعد بین‌الملل و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور تنظیم و تدوین می‌شود (ایزدی، خلفی، ۱۳۹۰: ۴۵).

الگوی مذکور به عنوان یکی از ارکان محوری سند چشم‌انداز و یکی از پایه‌های اصلی راهبرد بلندمدت در سیاست خارجی کشور برآیند و حلقه اتصال شش رکن راهبردی سیاست خارجی است و راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تعامل با نظام بین‌الملل برای دستیابی به اهداف ترسیمی، رسیدن به تعاملی است که در عین حفظ شاخصه تعامل، برای منافع ایران سازنده و مفید باشد. از این رو به منظور تحقق رویکردی منسجم و توسعه محور در عرصه سیاست خارجی، در نوشتار حاضر تلاش خواهد شد تا ضمن آسیب‌شناسی تحولات گذشته این حوزه طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، یک ارزیابی جامع از موضع‌گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه دیپلماسی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در قبال این مسائل و میزان انطباق آن با سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ارائه نماید.

۱. مفاهیم

۱-۱. سیاست‌گذاری خارجی

دولتها از طرق مختلفی به تدوین و تنظیم خط‌مشی‌ها می‌پردازند و در واقع بخشی از فعالیتهای دولتها را میتوان در قالب «سیاست‌گذاری» نامگذاری نمود. به‌عنوان مثال بودجه ریزی در دولتها را میتوان خط‌مشی مصرفی، قوانین و آیین‌نامه‌ها را خط‌مشی‌ای قانونی و موضع‌گیری درباره کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را خط‌مشی خارجی به حساب آورد. (Ben-gera, 2009: 7)

دانش سیاست‌گذاری خارجی به معنای دقیق کلمه حتی در متون علمی و دانشگاهی کشور نیز، نوپاست. بررسی و جستجو در منابع علمی نشان می‌دهد در کشور ما بیشتر از

سیاست‌گذاری درباره تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سخن گفته شده است تا جایی که به صراحت میتوان مدعی شد «بخش اعظم تحقیقات حوزه سیاست خارجی به بررسی الگوها و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی اختصاص یافته است» (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۲) و در برخی موارد نیز تفکیک دقیقی میان دو مفهوم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری ایجاد نشده است، در واقع نوعی خلط مفهومی صورت گرفته است. به عنوان نمونه در خط‌مشی‌گذاری خارجی «فرآیند سیاست خارجی را فرآیند تصمیم‌گیری معرفی می‌کنند» و در بسیاری موارد خط‌مشی و سیاست را در کنار تصمیم و به صورت مترادف به کار می‌برند همانطور که در تعریف ساختار تصمیم‌گیری چنین بیان میشود «ساختار تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری به معنای سلسله مراتب و جایگاهی است که تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیرنده و سیاست‌گذار فرآیند تدوین و اجرای سیاست خارجی رعایت می‌کنند» (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۵). شواهد وجود چنین برداشتی درباره مفهوم تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری فراوان است و پرداختن تفصیلی به آن در این پژوهش امکان‌پذیر نیست. از منظر این پژوهش دانش خط‌مشی‌گذاری یا علوم سیاست‌گذاری تعریف و جایگاهی متفاوت با تصمیم‌گیری دارد و تفکیک این مفاهیم از یکدیگر به شفاف شدن قلمرو این پژوهش و تدقیق یافته‌های آن نیز کمک خواهد نمود.

بر اساس آنچه گفته شد و همچنین جایگاهی که تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دارد این بیان که «فرآیند سیاست خارجی در واقع فرآیند تصمیم‌گیری است» تأییدی بر این ادعاست که سیاست خارجی از یک منظر همان خط‌مشی‌گذاری است و تصمیم‌گیری نیز در یک تعبیر مترادف با خط‌مشی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین بیان مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ما را به فهم رویه‌های شکل‌گیری خط‌مشی‌ها و سیاست‌های خارجی نزدیک می‌کند.

۱-۲. اهداف و الزامات تحقق چشم‌انداز در سند چشم‌انداز در سیاست خارجی

چشم‌انداز ارائه‌دهنده‌ی تصویری مطلوب و آرمانی و قابل‌دستیابی است که فرا روی نظام حکومتی و جامعه قرار دارد و دارای ویژگی‌های جامع‌نگری، آینده‌نگری، ارزش‌گرایی واقع‌گرایانه است که متناسب با مبانی ارزشی و آرمانها تعیین می‌گردد. سند چشم

انداز بیست ساله ی جمهوری اسلامی ایران شامل راهبردهایی است که بستر و جهت دهنده ی تمام تصمیماتی است که کشور را به نقطه‌ی آرمانی اش نزدیک می کند. (سجادپور و نوریان، ۱۳۸۹: ۴۵) بر اساس این چشم انداز، ج.ا.ا در سال ۱۴۰۴، کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین الملل. تصریح این نکته در سند چشم انداز که رسیدن به این نقطه ی مطلوب، از طریق داشتن تعامل سازنده و مؤثر امکان پذیر است، نقش و جایگاه سیاست خارجی را در راه رسیده به اهداف روشن می سازد. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

۲۰۳

سیاست خارجی کشور در افق این چشم انداز، مبتنی بر همکاری و هماهنگی در روابط بین الملل است و ایران همواره تلاش نموده تا دیگر کشورها را نسبت به حسن نیت خود قانع سازد. این نوع سیاست، همان طور که از تنش با نظام بین الملل پرهیز می کند، به معنای وادادگی در مقابل قدرتهای بزرگ و پذیرش وضع موجود در نظام بین المللی نیست؛ بلکه با استفاده از قواعد بین الملل و با ایجاد اجماع هدفمند با کشورهای همسو و در راستای منافع و اهداف کشور تنظیم و تدوین می شود. (ایزدی و خلفی، ۱۳۹۰: ۴۵)

برخی از فرازهای متن سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی عبارتست از:

با اتکا به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل. جامعه ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی هایی خواهد داشت:



الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر هم‌گرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی(ره).

دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت (اکرمی نیا، ۱۳۹۲: ۴۴)

در حوزه سیاست خارجی، شرط اصلی و اساسی رسیدن به اهداف چشم‌انداز، انتخاب فرآیند مناسب برای اعتلای موقعیت با رویکرد جامع، بلندمدت و راهبردی است. این امر نیازمند درک و تشخیص صحیح اوضاع و شرایط فعلی و آینده جهانی و منطقه‌ای است. فرصت‌ها و تهدیدات گوناگون به طور مستمر جمهوری اسلامی ایران را در وضعیت و موقعیت جدید و انتخاب گزینه‌های جدید قرار می‌دهد. بهره‌برداری از فرصت‌ها و مقابله با تهدیدهای موجود در مسیر اعتلای موقعیت در گرو توجه به الزامات و پیاده‌سازی دقیق سند توسعه ملی است. ایران منطقه‌ای به دلیل نقش تمدنی، ایرانی و اسلامی و فرهنگی و اقتصادی و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک و نقشی که در کل این حوزه‌های تعامل (آسیای مرکزی و قفقاز، خلیج فارس، شبه‌قاره و خاورمیانه) دارد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای تشکیل منطقه آسیای جنوب غربی است.

از نظر بعضی از پژوهش‌گران، برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی ایران ناگزیر از انجام این اقدامات شش‌گانه است:

۱- مدیریت دگرگونی هنجاری، به صورت پویا، منعطف و شبکه‌ای.

۲- چهره‌سازی و ایجاد مقبولیت.

۳- اعتمادسازی و قابل‌پیش‌بینی بودن.

۴- حساسیت‌زدایی و اقناع بازیگران اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی.

۵- ایفای نقش نمونه‌ساز و شکل‌دهنده منطقه‌ای.

۶- ایجاد دستگاه دیپلماسی حرفه‌ای (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۰).

بدیهی است تعامل مثبت و سازنده جمهوری اسلامی ایران در منطقه با محدودیت‌ها و موانع متعددی نیز مواجه است. از یک سو، کشورهای فرامنطقه‌ای که از سال‌ها قبل با بهانه‌های مختلف در منطقه حضور پیدا کرده‌اند، اقدام به بسط حضور و نفوذ خود

نموده‌اند و از سوی دیگر، برخی از کشورهای منطقه به دلیل دارا بودن رویکردهای رقابتی و حتی منازعه‌آمیز، تعامل و بسط روابط با ایران را بر نمی‌تابند. در رأس قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ایالات متحده آمریکا است که علاوه بر آنکه رأسا و مستقیماً در تضاد و تعارض سیاسی با جمهوری اسلامی ایران در منطقه قرار دارد، به دلیل حمایت‌های گسترده از رژیم صهیونیستی، سیاست خارجی ایران را با چالش‌های زیادی مواجه ساخته است (واعظی، ۱۳۸۷: ۷۰) برداشت اجمالی از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مؤید دستیابی جمهوری اسلامی ایران به توان تعیین‌کنندگی در منطقه است. این توان آخرین سطح توانایی محسوب می‌شود و سایر مؤلفه‌های قدرت را به کار می‌گیرد.

۲۰۵

۲. مدل‌های ارزیابی عملکرد

علی‌رغم توسعه نسبی ادبیات سیاست خارجی ایران، هنوز خلاً یک پژوهش مستقل جهت ارزیابی آن بر اساس معیارهای مهمی هم چون سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و سیاست‌های کلی نظام محسوس است. ترسیم چنین چشم‌اندازی برای آینده‌ی کشور، نشان از اهمیت ویژه‌ی آن دارد. (داریانی و رفیع‌زاده، ۱۳۸۴: ۴) چرا که کردار و رفتار سیاست خارجی بستگی به وجود رویه‌ها، پیشینه‌ها و پس‌زمینه‌های بین‌ذهنی و عناصر نمادین مشترک دارد (Ashley, 1988:53)

از آن‌جا که در این پژوهش، معیار ارزیابی سیاست خارجی ایران، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام است، لذا چهار چوب و مدلی که بایستی به کار گرفته شود، در درجه اول باید توجه ویژه‌ای به اهداف کشور داشته باشد. برای فهم بهتر این موضوع نخست به بررسی برخی مدل‌هایی که جهت ارزیابی عملکرد دولتها و دستگاه‌های اجرایی کاربرد دارند، پرداخته خواهد شد و در نهایت تلاش خواهد شد تا مدلی تلفیقی به عنوان چهار چوب نظری جهت ارزیابی سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای مذکور ارائه شود.

۲-۱. مدل مثلث عملکرد

مدل مثلث عملکرد بر نهادینه سازی تحول بر اساس سه اصل کارایی، اثربخشی و تحول تکاملی تکیه دارد. (موسی خانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۷) مفهوم کارایی در رابطه با کارهای درون یک مجموعه صورت می‌گیرد و چنانچه آن مجموعه با کمترین منابع، بیشترین اهداف را فراهم سازد، یک مجموعه ی کارا محسوب میشود. در رابطه با اثربخشی باید توجه داشت که اثربخشی عبارتست از درجه یا میزان نایل آمدن به اهداف مورد نظر (الهی، ۱۳۷۸: ۵۷) و نشان از دستیابی به اهداف و برنامه‌ها با ویژگی کارا بودن فعالیتها و عملیات است. (رحیمی، ۱۳۸۵: ۳۶) در رابطه با بعد تحول تکاملی تحقیقات نشان میدهد که بسیاری از سازمان‌های امروزی در محیط پیچیده و پویا قرار دارند و در چنین محیطی سازمان‌ها باید یادگیرنده و تحولی باشند و محققین معتقدند که بایستی سازمان‌های یادگیرنده و تحول آفرین امروزی توسعه یابد. این چارچوب‌ها باید بیانگر «ظرفیت یادگیری و تحول سازمانی» باشند (forrester, 1987: 138) از مهم ترین نقاط قوت این روش می‌توان به محدود بودن شاخصها و توجه به برقراری توازن بین کارایی و اثربخشی و تحول تکاملی و قرار دادن اهداف سازمان در رأس برنامه‌ها و توجه ویژه به آن و نیز توجه به تغییرات محیطی به عنوان عنصری مهم و اثرگذار بر عملکرد سازمان اشاره نمود و نشان از انعطاف پذیری آن دارد.

۲-۲. الگوی فیشر برای ارزیابی عملکرد

در این الگو، شاخص‌های ارزیابی عملکرد به سه گروه شاخص‌های کیفی، نیمه کمی و شاخص‌های کمی تقسیم بندی شده‌اند. شاخص‌های کیفی اساس استدلالی هستند و بر اساس قضاوت‌های ذهنی و درک شخصی افراد استوار است؛ (مانند فرهنگ سازمانی، رهبری و خصوصیات اخلاقی) در شاخص‌های نیمه کمی، شاخص‌های ذهنی جای خود را به شاخص‌های کمی داده‌اند و برای قضاوت‌های کیفی افراد ارزش کمی تعیین می‌شود. شاخص‌های کمی، شاخص‌هایی هستند که می‌توانند فعالیت‌های مختلف انجام گرفته در سازمان را به صورت عدد و رقم بیان کنند. (ارشدی خمسه، ۱۳۸۶ به نقل از علوی، ۱۳۹۵: ۱۴۷) در این الگو نیز محدود بودن و دسته بندی شاخص‌های ارزیابی

به عنوان یک نقطه‌ی قوت محسوب می‌شود، چرا که از سردرگمی در اثر تعدد معیارها و انباشت اطلاعات در سطح وسیع و بدون کارایی جلوگیری می‌شود. عدم توجه کافی به اهداف سازمان و تغییرات مختلف سیاسی، اقتصادی و غیره در خارج از محیط سازمان از نقاط ضعف این الگوی ارزیابی به حساب می‌آیند.

۲-۳. الگوی کارت امتیاز متوازن

در اواخر دهه ۱۹۸۰، تحول در ارزیابی مدیریت واحدهای کسب و کار منجر به یک نوآوری در مدیریت گشت که به این نوآوری کارت امتیاز متوازن گفته میشود. (ملکی فر و شالچی فر، ۱۳۸۴: ۶۱) این روش کاستی‌های سیستم‌های مدیریت سنتی نظیر عدم توانایی در مرتبط ساختن استراتژی‌های بلندمدت با اقدامات کوتاه مدت را آشکار می‌سازد و یک الگو و یا به عبارتی یک چارچوب مفهومی جهت تدوین مجموعه‌ای از شاخص‌های عملکرد در راستای اهداف استراتژیک است (دانشفرد، وحدانی و آغاز، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۹) که بر اساس آن در اولین گام آن می‌بایست دیدگاه آتی سازمان مشخص گردد. سپس در راستای دیدگاه‌های حاکم بر سازمان، اهداف استراتژیک تدوین می‌یابند و یا می‌بایست تدوین شده باشند. با عنایت به دیدگاه آتی و اهداف استراتژیک سازمان، عوامل حیاتی موفقیت امشخص و رابطه علت و معلولی بین این عوامل مشخص می‌گردد. در همین راستا، معیارهای استراتژیک تبیین و در نهایت برنامه اقدام "تدوین می‌گردد. (بهزادیان، ۱۳۷۹: ۶۹)

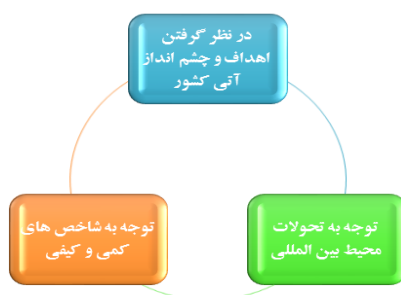
۲-۴. الگوی پیشنهادی و چارچوب نظری تحقیق

آن چه به عنوان الگوی ارزیابی عملکرد و تحت عنوان چارچوبی برای ارزیابی سیاست خارجی ایران در این پژوهش مورد استفاده قرار خواهد گرفت، تلفیقی از خصوصیات سه الگوی فوق‌الذکر است، که در آن ارزیابی بر مواردی چند استوار است که هر یک، بخشی از سه مدل فوق‌الذکر است که عبارتند از الگویی که بر اساس آن نخست به این امر توجه شده که سیاست خارجی یک کشور در محیط پیچیده بین‌الملل امروز جلوه گر

است که این محیط مداوم در حال تغییر است و تغییرات آن بر شرایط داخلی یک کشور نیز موثر است.

در این الگو، ارزیابی بر اساس توجه به شاخص‌های کمی و کیفی صورت می‌گیرد و عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور (طی دوره ۸ ساله رؤسای جمهوری)، با توجه به معیارهای کیفی قابل استخراج از کتب، مقالات و مجلات و اسناد و گزارش‌های معتبر وزارت خارجه و نهاد ریاست جمهوری به منظور تبیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی نسبت به مسائل گوناگون و چگونگی واکنش و موضع‌گیری نسبت به آنها و هم‌چنین معیارهای کمی و اعداد و ارقام مرتبط با عملکرد این دستگاه که در روزنامه‌ها و گزارشات صداوسیما و سایر منابع و خبرگزاریها قابل دسترسی هستند، همچون مد نظر قرار دادن حجم سفرهای خارجی دولت مردان کشور به مناطق مختلف جهان، در راستای رسیدن به اهداف صورت می‌گیرد.

در این چارچوب، آنچه برای ارزیابی سیاست خارجی حائز اهمیت است، مد نظر قرار دادن اهداف و برنامه‌هایی است که سیاست خارجی کشور در دو دوره مدنظر باید در راستای دستیابی به آنها برنامه‌ریزی و عمل نماید. این اهداف و برنامه‌ها که چشم‌انداز آتی کشور جهت رسیدن به جایگاه مطلوب در منطقه و جهان است، همان سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی ایران و سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی است. تعیین چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی در این مدل، مانع از برداشتهای متفاوت در راه ارزیابی عملکرد دستگاه سیاست خارجی است.



نمودار شماره ۱. مدل ارزیابی عملکرد سیاست خارجی دولت‌های نهم تا یازدهم

۳. گفتمان اعتدال و توسعه گرایی

در سیاست خارجی کشورها، منافع ملی کشورها مهم ترین نقش را ایفا می کند. با این حال، رویکردها و راههای دستیابی به منافع ملی کشورها متفاوت است. جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به وجود متغیرها و عوامل مختلف، همواره رویکردهای مختلفی را در عرصه سیاست خارجی در جهت دستیابی به منافع ملی در پیش گرفته است. در دوره ریاست جمهوری روحانی نیز اصول و گفتمان های حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای دستیابی به منافع ملی و افزایش قدرت در سطح منطقه ای و نظام بین الملل بوده است. مواضع عملگرایانه روحانی در مورد موضوعات خارجی و داخلی برای رأی دهندگان ایرانی اطمینان بخش بود. مبارزه انتخاباتی روحانی در چند زمینه کلیدی از پلاتفرم رقابیش متمایز بود: تحلیل روشن او از وضعیت جاری در ایران تبیین روشن و بی ابهام او از چالش های عمده فراروی جامعه و حکومت و رویکرد صادقانه و صریح او در قبال مشکلات و راه حل های ممکن. بدین ترتیب روحانی توانست بخش های سرخورده جمعیت کشور را در خلال روزهای پایانی مبارزات انتخاباتی در راستای علاقه جدی به انتخابات و نهایتاً مشارکت در یک رأی گیری ملی بسیج نماید.

از سوی دیگر، روحانی همواره در تلاش بود تا وضعیت غیرقابل قبول امور را از طریق اصلاح اساسی سیاست خارجی کشور درمان کند. تغییراتی که او مطرح کرد نمایانگر درک واقع بینانه از نظم بین المللی معاصر و چالش های بیرونی جاری در برابر جمهوری اسلامی بود، و نیز آنچه که لازم است تا روابط ایران با دنیای خارج را به وضعیت به هنجار برگرداند. روحانی همچنین خواستار گفتمان اعتدال شد. این رویکرد می خواهد تا ضمن عنایت به حفظ امنیت ملی، ارتقای جایگاه کشور و نیل به پیشرفت فراگیر بلندمدت، ایران را از رویارویی به سوی گفتگو، تعامل سازنده و تفاهم هدایت کند، اعتدال رویکردی مبتنی بر واقع گرایی، اعتماد به نفس، آرمانگرایی واقع بینانه و تعامل سازنده است. اقتضای واقع گرایی درک ماهیت، ساختار، ساز و کارها و پویایی قدرت در نظام بین المللی و نیز ظرفیت بالقوه و محدودیت های نهادهای آن است. اعتدال در نگاه روحانی ترکیب باور عمیق به آرمانهای محبوب انقلاب اسلامی با ارزیابی

۲۰۹

پژوهش‌های
روابط بین الملل

سیاستگذاری
خارجی دولت های
یازدهم و دوازدهم
در انطباق با سند
چشم انداز جمهوری
اسلامی ایران
۱۴۰۴

عینی از ظرفیت‌های واقعی، توانایی‌ها و نیز محدودیت‌های ایران است. این نگاه همچنین مشوق اعتماد به نفس مبتنی بر درک منابع مادی و معنوی ایران منجمله خرد جمعی شهروندان آن است. به اعتقاد محققان کار و تعامل با سایرین هم نیازمند یک سیاست خارجی باویژگی‌های خاص است که خود برآمده از شکل خاصی از هویت نظام سیاسی می‌باشد (Amsden, 1989: 12)

تجربه بیش از چهار دهه جمهوری اسلامی ایران نشان دهنده تحول و چرخه گفتمانی در سیاست خارجی آن است. به گونه‌ای که در پرتوی تحولات داخلی و خارجی گفتمان‌ها و خرده گفتمان‌های مختلفی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران غالب و حاکم شده است. با حاکمیت هر یک از این گفتمان‌ها و خرده گفتمانها رفتار و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز دستخوش تغییر و تحول شده است. اگر چه براساس بعضی از رویکردهای گفتمانی، عامل یا کارگزار انسانی خود یک موضعه گفتمانی است که در درون گفتمان تعریف می‌شود و در چهارچوب آن رفتار می‌کند، اما تحول گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیانگر این واقعیت است که رؤسای جمهور و دولت نقش تعیین کننده‌ای در تدوین و تعریف گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کنند. با توجه به اینکه رئیس جمهور روحانی گفتمان دولت خود را گفتمان اعتدال تعیین کرد، گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم نیز در چهار چوب گفتمان کلی اعتدال تکوین می‌یابد. از این رو، گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم را می‌توان «گفتمان اعتدال» یا «اعتدال گرایی» نامید که در قالب گفتمان کلان اسلام گرایی تعریف می‌شود؛ به گونه‌ای که رفتارها و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت یازدهم نیز در قالب گفتمان اعتدال گرایی تکوین یافته و اجرا می‌شود. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۳: ۱). به طور کلی اعتدال به دو صورت سلبی و ایجابی تعریف می‌شود. در معنای سلبی، اعتدال به معنای نفی افراط و تفریط و پرهیز از این دو حد می‌باشد. از این رو، گفتمان اعتدال گرایی را می‌توان پرهیز از گفتمان‌های افراطی و تفریطی سازش و ستیزش با آرمان - گرایی توهمی و واقع گرایی انفعالی تعریف کرد. اما گفتمان اعتدال‌گرایی در معنای ایجابی و مثبت بر اساس مختصات، شاخص‌های دال

متعالی و عناصر مقوم آن تعریف می گردد. دال مرکزی و متعالی گفتمان اعتدال گرایی، تعادل و توازن است که بر حسب این موارد تلخیص می شود: توازن بین آرمان و واقعیت یا آرمان گرایی و واقع گرایی؛ توازن بین انواع عقلانیت؛ توازن بین مصالح اسلامی و منافع ملی؛ توازن بین اهداف سیاست خارجی توازن بین اهداف و ابزار سیاست خارجی توازن بین عناصر قدرت ملی توازن بین اعمال قدرت و دیپلماسی؛ توازن بین حق و تکلیف توازن بین سه اصل عزت، حکمت و مصلحت؛ توازن در ساختار سیاست خارجی و توازن در توسعه روابط خارجی بر مبنای دال مرکزی توازن در گفتمان اعتدال در سیاست خارجی، عناصر و دقایق آن به این صورت تعریف می گردد: عقل گرایی و خردورزی واقع بینی و واقع گرایی، تکلیف گرایی معطوف به نتیجه نحو لگرای؛ تعامل گرایی سازنده و مؤثر؛ توسعه گرایی متوازن امتیث طلبی؛ متزلت طلبی: صلح طلبی مثبت، عدالت گرایی و کمال گرایی به نظر می رسد سیاست خارجی دولت آقای روحانی به موازات گشایش التهابات اقتصادی در داخل و حل و فصل مسالمت آمیز مسائل فیما بین ایران و به اصطلاح جامعه بین الملل، از حالت واکنشی و موضعی بیرون و به کنشگری در تعاملات منطقه ای و جهانی روی آورد. لذا سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم جنبه های واکنشی بسیاری طی ۸ سال داشت که، عمدتاً به تنگناهای اقتصادی در داخل و بحران های منطقه ای و بین المللی (از جمله پرونده هسته ای، بحران سوریه و کرونا) بر میگشت.

دقت در برنامه های ارائه شده، سخنان و به طور کلی، رفتار و نظم گفتمانی سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم جمهوری اسلامی ایران، نشان از رویکردی میانه در همه بخش ها دارد. فرهنگ سیاست در گفتمان اعتدال ماحصل تکوین گفتمان انقلاب اسلامی و یک جدال متنی - گفتمانی بین گفتمان های پیشین خود برای تثبیت شکل و محتوای خاصی از صورت بندی قدرت است. ظریف با تأکید بر پرهیز از اعمال سیاست سلیقه ای در سیاست خارجی، معتقد است: «در مسئله سیاست خارجی ایران باید همواره موضوع رسالت جهانی انقلاب اسلامی مدنظر قرار گیرد... در سیاست خارجی باید از تندروری خودداری کرد چرا که تندروری نشانه ضعف و ترس است» (ظریف، ۱۵ مرداد

مهمترین مؤلفه‌های گفتمان اعتدال و توسعه‌گرایی شامل: دیپلماسی اقتصادی، تلاش برای کسب اعتبار در عرصه بین‌المللی، اجتناب از درگیری و تنش‌زدایی، همزیستی مسالمت‌آمیز، اعتماد سازی در عرصه بین‌المللی، تحول هویتی و اجماع نخبگان، جهان‌عاری از خشونت و افراط‌گرایی است. که با توجه به این ویژگی‌ها عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم در انطباق با سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مورد بررسی و تحلیل و انطباق قرار خواهد گرفت.

۴. مطالعه و ارزیابی عملکرد

۴-۱. مسئله هسته‌ای و برج‌ام

بدون تردید، مسئله هسته‌ای یکی از مهم‌ترین موضوعات در عرصه سیاست خارجی کشور طی یک دهه گذشته بوده است. این موضوع در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی مطرح و در دوران آقای احمدی‌نژاد ادامه پیدا کرد. مسئله هسته‌ای ایران همچنان یکی از مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی و بدون تردید مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی ایران می‌باشد؛ در نتیجه بسیار مهم است که موضع آقای روحانی در قبال این موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در این راستا باید اشاره نمود که یکی از دلایل پیروزی روحانی در انتخابات، نگاه متفاوت ایشان به موضوع هسته‌ای بود. از نگاه آقای روحانی، موضوع هسته‌ای یک موضوع در کنار منافع دیگر کشور است؛ نه موضوعی بر فراز منافع و موضوعات دیگر. بر این اساس روش‌های دیپلماتیک و تجربیات موجود در کشور می‌بایست به شکلی در این حوزه به کار رود که دولت بتواند با تعامل با جهان خارج، هم حق برخورداری از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز ایران را حفظ کند و هم بهانه‌ها برای فشار و تحریم را از دست رقبای بین‌المللی خارج نماید. بنابراین موضع آقای روحانی در قبال پرونده هسته‌ای را می‌توان دفاع از حق ایران در زمینه داشتن انرژی هسته‌ای، در کنار تعامل سازنده با جهان در چارچوب شفافیت بیشتر و کامل‌تر ارزیابی نمود (روحانی (۵)، ۱۳۸۳: ۱-۲۶) آقای روحانی ضمن نقد سیاست خارجی وقت در عرصه هسته‌ای که نتیجه اصلی آن افزایش فشارها و تحریم‌های بین‌المللی است، خواهان سیاست خارجی معقول و منطقی و دیپلماسی فعال و پویا بودند. به باور ایشان

ایران می تواند ضمن داشتن حق غنی سازی با دیپلماسی و شفافیت بیشتر، عملاً فشارها و تحریم ها را کاهش دهد.

ایشان برای تأیید این موضوع به تجربه خود به عنوان دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی اشاره می کنند و بیان می دارند: «در پرونده هسته ای ما بین اروپا و آمریکا فاصله انداختیم. سفیر روسیه در اجلاس شورای حکام در آذرماه سال ۸۲ (نوامبر ۲۰۰۳) وقتی که سه کشور اروپایی با آمریکا در مشاجره بودند، گفته بود که در دهه های اخیر چنین منظره ای را ندیده بودم که در یک اجلاس بین المللی رسمی سه کشور مهم اروپایی در یک سو آمریکا در طرف دیگر باشد. به گفته آقای روحانی، برنامه وی بعد از اقتصاد و معیشت مردم، «اصلاح روابط خارجی با دنیا است و این که ایران نباید فکر کند در دنیا دوست و دشمن های دائمی وجود دارند. اصل فناوری هسته ای ج برنامه های توسعه کشوری ما بوده و در چارچوب مقررات بین المللی صورت گرفته است و تنها بخشی که کشور را دچار مشکل کرد بخش غنی سازی بود که آن هم به دلیل بهانه های غربی ها و آمریکایی ها صورت گرفت» (مرکز مطالعات بین المللی صلح، ۱۳۹۲: ۱) آقای روحانی بر این باور بود که می شود این بهانه گیری را از دست کشورهای غربی با عقلانیت و تدبیر خارج کرد.

وقتی حسن روحانی در تبلیغات انتخاباتی خود در سال ۹۲ اعلام کرد بهتر است به جای اینکه با اروپا مذاکره کنیم، با کدخدای آنها [ایالات متحده] وارد گفتگو شویم احتمالاً تصور نمی کرد خود او در سالهای پایانی ریاست جمهوری اش مدام از بدعهدی و دشمنی تاریخی آمریکا با ایران سخن بگوید. تحریم ها و فشارهای وارده از سوی آمریکا علیه ایران در دولت ترامپ، احتمالاً بی سابقه ترین در تاریخ جمهوری اسلامی ایران قلمداد می شود. این در حالیست که پیش از روی کار آمدن این دولت در کاخ سفید، تهران و واشنگتن به بزرگترین توافق سیاسی فیما بین در طول ۴ دهه اخیر دست یافته بودند.

به دنبال گفتگوهای چندجانبه ایران با شش قدرت بزرگ، سرانجام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با توافق نهایی وزرای امور خارجه ۱+۵ و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) به امضا رسید و پس از دو

سال مذاکره، توافقی بلند مدت بین ایران و کشورهای ۵+۱ در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌های ایران حاصل شد. تنها پس از شش روز، در تاریخ ۲۹ تیرما ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به تصویب رسید که بر اساس آن، تحریم‌های قبلی شورای امنیت لغو شده و کشورهای امضاکننده برجام، موظف به اجرای کامل تعهدات مندرج در آن شدند. اما طولی نکشید که ریاست جمهوری جدید آمریکا دونالد ترامپ علی‌رغم پایبندی اروپائیان به برجام ناسازگاری خود با توافق چند جانبه بین‌المللی هسته‌ای ایران را آشکار ساخت. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا که در مناظره‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶، توافق هسته‌ای با ایران موسوم به برجام را یکی از بدترین توافقی‌هایی دانسته بود که تا کنون در عمر خود دیده، ۱۶ ماه پس از ورود به کاخ سفید به حضور آمریکا در آنچه پیشتر از سوی ناظران سیاسی «توافق قرن» خوانده می‌شد، پایان داد.

از آن روز تا کنون جمهوری اسلامی ایران تلاش زیادی کرده تا بتواند همچنان این توافق را زنده نگه دارد و با اعضای باقیمانده در برجام، عدم حضور آمریکا را کم‌رنگ کند. اما بعد از گذشت دو سال به نظر می‌رسد این تلاش‌ها بیش از همه طعم شکست داشته است و پررنگ‌ترین یادگار خروج آمریکا از برجام، سایه سنگین تحریم‌هایی این کشور بر اقتصاد ایران است.

۴-۲. روابط و تقابل با آمریکا

مذاکره با آمریکا، یکی دیگر از موضوعات مطروحه در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. البته موضوع مذاکره با آمریکا از همان زمان که روابط ایران و آمریکا به دستور ریس جمهور آمریکا قطع شد، مطرح بوده است. با این وجود این مسئله طی سال‌های گذشته، به خصوص در دوران باراک اوباما با طرح موضوع مذاکره دوجانبه، جدیت بیشتری گرفته است. از سوی دیگر مقام معظم رهبری نیز طی چند ماه گذشته فرمایشاتی در این زمینه داشته‌اند که طی آنها عدم مخالف خود را با طرح موضوع مذاکره با آمریکا مطرح نموده‌اند و عملاً فضا را برای دولت جهت انجام مذاکره آبرو مندانه، منطقی و از موضع برابر فراهم نموده‌اند. بر این اساس بحث مذاکره

با آمریکا تبدیل به یکی از مباحث جدی به خصوص در جریان رقابت های انتخاباتی ریاست جمهوری شد، که در این بین آقای روحانی یکی از مهمترین حامیان مذاکره با آمریکا، البته در صورت وجود پیش شرط هایی بودند. ایشان پس از پیروزی در انتخابات در پاسخ به سوالی در این زمینه نکاتی را مطرح نمودند که کم و بیش آن را می توان موضوع دولت یازدهم در باره رابطه با آمریکا ارزیابی نمود. ایشان در مورد مذاکره مستقیم یا آمریکا بیان داشتند:

«روابط ایران و آمریکا دارای زخم های عمیق و مزمن است. در سه دهه گذشته، مجوز مذاکره و زمینه سازی تجدید رابطه با آمریکا از سوی رهبری معظم جمهوری اسلامی ایران داده نشده است. سخنان اخیر مقام معظم رهبری مبنی بر عدم مخالفت ایشان با مذاکره با آمریکا با حفظ خطوط قرمز، زمینه جدیدی را برای دفاع از حقوق حقه ملت ایران در مواجهه دیپلماتیک مستقیم با آمریکا فراهم کرده است. در شرایط کنونی، باید شرایط فعلی را به دقت مورد ارزیابی قرار داد و در صورت اقتضا، از مذاکره و گفت و گوی دوجانبه با آمریکا پرهیز نکرد. در گام های نخست باید به مذاکره به مثابه بستری برای جلوگیری از شدت یافتن بیش از پیش فشارها و متوقف ساختن روند تحریم های کنونی نگریسته شود و در مراحل بعدی باید در پی تعدیل فضا تا حذف کامل تحریم ها پیش رفت. مذاکره به صرف مذاکره و بدون حصول نتیجه، مورد قبول من نیست. برای مذاکره با آمریکا باید دستور کار و هدف مشخص و روشنی داشته باشیم» (گزیده ای از گفت و گوی دیپلماسی ایرانی با حسن روحانی، ۱۳۹۲)

با این حال همانگونه که گفته شد در پی روی کار آمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده، نه تنها روابط با ایران بلکه بسیاری از موضوعات دیگر در سیاست بین الملل دچار دگرگونی شد. مقابله با ایران و سیاست های جمهوری اسلامی ایران در منطقه، یکی از موضوعات اصلی سیاست خارجی ترامپ در منطقه خاورمیانه بوده است. ترامپ در کمپین های انتخاباتی خود بارها از باراک اوباما که گفته بود سیاست های وی باعث قدرت یابی ایران در منطقه و تهدیدزایی این کشور برای آمریکا شده است انتقاد کرده بود. وی مقابله با نیروهای نظامی ایران در خلیج فارس و تشدید فشار بر ایران به منظور عقب نشینی از سیاست های منطقه ای را جزء سیاست های اصلی خود برشمرده است.

با این حال، محور سیاست ترامپ در خصوص ایران را می‌توان توافق هسته‌ای ایران و مقابله با آن دانست. ترامپ مانند بسیاری از جمهوری خواهان به شدت با توافق هسته‌ای ایران مخالفت کرد و آن را چالشی برای آمریکا و متحدانش خواند. وی انتقادات شدیدی به دستگاه دیپلماسی آمریکا در خصوص توافق هسته‌ای با ایران داشته است. دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواه آمریکا و متعلق به جریان راست مسیحی این کشور بود. این جریان با داشتن نگرشی ایدئولوژیک و در عین حال قدرت محور، قائل به بازگشت آمریکا به دوران اقتدار گذشته و استثنانگرایی آمریکایی است. در خصوص جمهوری اسلامی ایران، ترامپ به سیاست‌های منفعت‌جویانه قائل بوده و ضمن اعتقاد به مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و برخورد با ماجراجویی نظامی ایران در منطقه، خواستار بازنگری در برجام از طریق مذاکره مجدد، با توسل به فشارهای چند جانبه اقتصادی بود که این امر حاکی از نوعی الغاء یا، چالش برجام توسط آمریکا از سوی جمهوری اسلامی ایران تلقی گردید. بعد از خروج ایالات متحده از برجام این کشور در صدد بود با جلب بعضاً اجباری، همراهی تعداد قابل توجهی از بازیگران عرصه بین‌الملل و شرکای تجاری ایران، منافع اقتصادی این کشور را تهدید و در واقع ایران را درگیر نوعی تکراری یا متوالی از بازی تحریم کند که به موجب آن کشور هدف یا تسلیم می‌شود و در رفتار خود ایجاد تغییر یا در برابر خواسته کشور تحریم‌کننده مقاومت می‌کند و این چرخه تا زمانی که یکی از طرفین تصمیم به پایان بخشی به بازی نگیرد ادامه می‌یابد. ماهیت بازی‌های تحریم، تکراری و بسیار فرسایشی است. این شرایط همچنان بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ نیز ادامه داشته و تاکنون منتج به نتیجه خاصی نشده است.

۳-۴. روابط با اروپا

اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر تاثیرگذار در مناسبات جهانی و منطقه‌ای بویژه بعد از جنگ سرد محسوب می‌گردد. روابط این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده و چگونگی این رابطه تحت تاثیر مسائل مهمی از جمله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صدور فتوای قتل سلمان رشدی، حکم دادگاه میکنونوس

و پرونده هسته ای قرار گرفته است. اتحادیه اروپا در حل فصل پرونده هسته‌ای ایران بویژه بعد از روی کار آمدن دولت روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۲ نقش مهمی بازی کرده و پس از به ثمر رسیدن مذاکرات هسته ای و انعقاد قرارداد برجام، سعی در ترمیم و بهبود روابط با ایران نمود و حتی بعد از خروج یکجانبه امریکا از برجام، ضمن محکوم کردن اقدام امریکا، تمام تلاش آنها برای حفظ ایران در برجام و رفع مشکلات تجاری و بازرگانی ایران با طراحی مکانیسم ویژه مالی برای بلا اثر کردن تحریمهای یکجانبه امریکا بوده است. با این حال توفیق چندانی در این زمینه متصور نیست.

۲۱۷

تجربه آقای روحانی به عنوان دبیر عالی شورای امنیت ملی نشان می دهد که ایشان اعتبار خاصی برای روابط با کشورهای اروپایی قائل هستند. اهمیت اروپا در چارچوب تفکر و سیاست خارجی آقای روحانی به دلایل متعددی است. اول اینکه اصولاً اروپایی ها به نسبت امریکا موضع نرم تری در قبال موضوعات مرتبط با ایران اتخاذ می کنند که از این موضوع می توان در راستای منافع ملی و ایجاد شکاف در روابط یورآتلانتیک استفاده کرد. در این زمینه، تجربه آقای روحانی در چارچوب بحث هسته ای نشان می دهد که ایشان با آگاهی از این موضوع، به خوبی از اختلافات اروپا و امریکا استفاده نمودند. ضمن اینکه یکی از انتقادات آقای روحانی به سیاست های دولت پیشین، نادیده گرفتن اروپا و عملاً نزدیک نمودن اروپا به امریکا با توسل به سیاست تنش زا و تهاجمی بوده است. مسئله بعدی موضوع اقتصادی، سرمایه ای و تکنولوژیکی است. آقای روحانی با آگاهی از نیازهای کشور در حوزه اقتصادی، اتحادیه اروپا را به عنوان پدیده ای اقتصادی در نظر می گیرند که می توان با اتحاد دیپلماسی فعال در چارچوب تعامل سازنده، از ظرفیت های اقتصادی آن برای توسعه سریع ایران استفاده نمود. ضمن اینکه گسترش روابط با اتحادیه اروپا می تواند به روابط اقتصادی ایران تنوعی دهد و ایران را از انحصار اقتصادی برخی از کشورها همچون چین رها سازد. همچنین بهبود روابط با کشورهای اروپایی در برداشتن تحریم ها موثر خواهد بود، چراکه بسیاری از محدودیتهایی که بر ایران اعمال می شود در چارچوب مصوبات سازمان ملل و شورای امنیت نیست.



اتحادیه اروپا دوره پسا برجام را بهترین فرصت برای بازسازی روابط خود با ایران نسبت به یک دهه گذشته را در دستور کار قرار داده و رفت و آمدهای مقامات و مسوولین دو طرف نسبت به کشورهای همدیگر و گفتگو پیرامون موضوعات متعددی در تدوین این استراتژی نقش عمده‌ای داشته و در شرایط کنونی عوامل متعددی فراتر از مسائل سیاسی داخل ایران در اتخاذ این استراتژی اتحادیه اروپا نقش دارند (قائم پناه، ۱۳۹۷: ۲۰۵) در مجموع با توجه به نتایج حاصله کنونی نمی‌توان سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم در قبال اتحادیه اروپا را منطبق با سند چشم‌نواز ۱۴۰۴ دانست.

۴-۴. روابط با شرق

یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد کارشناسان از سیاست خارجی دولت پیشین، رابطه نامتوازن چین و روسیه در چارچوب سیاست خارجی نگاه به شرق است. در این راستا، بسیاری بر این باورند که طی چند سال گذشته، رابطه ایران و چین از دایره توازن خارج شده است و دولت چین با استفاده از شرایط بین‌المللی متشنج ایران، عملاً در حال بهره‌برداری یکجانبه از ایران است. در این زمینه به گسترش واردات گسترده از چین اشاره می‌شود که بخشی از تولید داخلی ایران را از بین برده و سایرین را تحت فشار گذاشته است. همچنین به قراردادهای یکجانبه اقتصادی بین دو کشور اشاره می‌شود که طی آنها دولت چین امتیازات گسترده‌ای از ایران گرفته است. ضمن اینکه دولت و شرکت‌های چینی علی‌رغم انتقادات به موضع آمریکا، عملاً با تحریم‌های یکجانبه همراهی کرده‌اند و آنگونه که ایران انتظار داشته و دارد عمل نمی‌کنند. در این راستا انتقاد از رابطه نامتوازن با چین یکی از

محورهای انتقاد کارشناسان از سیاست خارجی دولت پیشین و همچنین یکی از محورهای مورد اجماع کاندیداهای ریاست جمهوری از جمله آقای روحانی بود. آقای روحانی پس از انتخاب‌ات نیز یکبار دیگر به این موضوع اشاره نمودند و در پاسخ به سؤالی در این رابطه بیان داشتند: «در رابطه با چین نکاتی وجود دارد» (<http://www.asriran.com/fa/news/280496>).

در خصوص سایر کشورهای شرقی نیز رویکرد روحانی قابل بررسی است وی در آغاز سفر به دو کشور مالزی و ژاپن در سال ۱۳۹۸ اعلام کرد: «سیاست نگاه به شرق و روابط نزدیک‌تر با کشورهای مهم آسیایی همواره جزو اهداف جمهوری اسلامی ایران بوده و سفر به کوالالمپور و توکیو که به دعوت مقام‌های ارشد این دو کشور انجام می‌گیرد، در راستای این سیاست تهران است» (<http://www.president.ir/fa/112792>).

با این حال از جمله مهمترین مباحث پرحاشیه در روابط با شرق موضوع «برنامه همکاری مشترک ۲۵ ساله ایران و چین» بود. ایران و چین به عنوان دو کشور مهم و تاثیر گذار در نظام بین الملل، منافع و اهداف مشترکی برای گسترش همکاری‌ها در حوزه‌های مختلف دارند و آنچه روابط این دو را تاکنون در وضعیتی پایدار حفظ نموده همکاری بر اساس مدل «نیاز-فرصت مشترک» بوده است. بر این اساس و تحت فضای پس از اجرایی شدن برجام نیز دو کشور با توجه به نیازهای واقعی و دلایلی چون وفاداری چین به ایران در شرایط سخت تحریمها، تداوم بی اعتمادی ایران به عرب، الزامات اقتصادی متقابل، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران برای چین، لزوم مقابله با افراط‌گرایی، تروریسم و بنیادگرایی و همچنین مخالفت با نظم موجود بین‌المللی و یک جانبه‌گرایی ایالات متحده و استفاده از فرصتهای به وجود آمده، خصوصا آنکه برقراری ارتباط عمیقتر دو کشور واکنش تند سیاسی قدرتهای غربی را در پی نخواهد داشت، سطح مناسبات خود را ارتقا بخشیدند و روابطی مبتنی بر «مشارکت جامع راهبردی» برقرار کردند. همچنین همکاریهای دو جانبه را در حوزه‌های سیاسی، اجرایی، انسانی و فرهنگی، قضایی، امنیتی-دفاعی و همچنین امور منطقه‌ای و بین‌المللی توسعه دادند و چشم‌انداز دراز مدتی در زمینه روابط دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی ترسیم کردند (اختیاری امیری؛ صالحی، ۱۳۹۶: ۴۸).

اما در کنار این واقعیتها، ملاحظات مهمی وجود دارد که نیاز است کشور ایران در ارتباط و مناسبات خود با کشور چین آنها را مد نظر قرار دهد و آن این مسئله میباشد، که چین کشوری متمایز در نظام بین‌الملل است که به طور اصولی به دنبال متحد استراتژیک در دنیا نمیگردد آنها فرض دارند که قدرتشان به تنهایی میتواند تمام مسائل آنها را حل کند. بنابراین، بیشتر به دنبال همکاری استراتژیک بر اساس مدل «برد-برد»

میگردند. بر این اساس در همکاری و مشارکت با این کشور باید همیشه رفتاری متعادل داشت و سعی نمود از فرصتهای به‌دست آمده ابتدا در جهت متوازن نمودن مناسبات و سپس سود بردن از آن به نفع خود بهره برد؛

۴-۵. روابط با کشورهای همسایه و غرب آسیا

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در جریان مصاحبه‌های آقای روحانی تأکید فراوانی بر آن می‌شود، تلاش برای بهبود روابط با همسایگان و به خصوص کشورهای عربی است. آقای روحانی در این ارتباط ضمن انتقاد گسترده از سیاست دولت پیشین که روابط ایران و همسایگان را عمدتاً بر مدار تنش قرار داد و به جای آن روابط با کشورهای آمریکای لاتین را گسترش می‌داد، خواهان تمرکز و توجه بیشتر بر همسایگان است. در این زمینه ایشان ضمن ابراز تمایل برای تداوم روابط با کشورها آمریکای لاتین، تمرکز بیش از حد بر این کشورها و در نتیجه نادیده گرفتن همسایگان را اشتباهی بزرگ ارزیابی نموده‌اند. بر این اساس وی نتیجه این سیاست را تنش گسترده با کشورهای همسایه و تبدیل برخی از آنها همچون آذربایجان را به تهدیدی علیه منافع جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کنند. آقای روحانی در همین زمینه بیان می‌دارند: «سایر همسایگان شمالی هم با درک شرایط ایران و استفاده از موقعیت، به تقویت روابط خود با غرب پرداخته و با درجات مختلف از ایران فاصله گرفته‌اند تا مبادا رابطه آنها با غرب دچار مخاطره شود. در میان آنها، جمهوری آذربایجان، بدون اغراق، به خطر امنیتی برای ایران تبدیل شده است» (مرکز بین‌المللی صلح، ۱۳۹۲)

فراز و نشیب‌های تاریخی گسترده در خاورمیانه تحت تأثیر مؤلفه‌های هویتی درون منطقه‌ای؛ همچنین نقش مداخله‌گر بازیگران فراملی در فضای سیاست داخلی و خارجی این منطقه هست. در منطقه خاورمیانه برای دهه‌های متمادی به دلیل اهمیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی، حضور بازیگران مداخله‌گر و رقابت بازیگران منطقه‌ای یک نظم منطقه‌ای پایدار ایجاد نشده است. در چنین روندی، نظم به معنای ایجاد یک الگوی مدیریت امنیتی با وجود تعارضات و رقابت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به معنایی حل‌نشده تبدیل شده است. در این میان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از

کشورهای مهم منطقه خاورمیانه طی چند دهه اخیر تلاش کرده است تا یک نظم منطقه‌ای در چهارچوب ظرفیت‌های درون‌منطقه‌ای و با حضور همه کشورهای منطقه ایجاد نماید. در خصوص دسته‌بندی انواع سیستم‌های نظم منطقه‌ای نیز باید گفت، طیف گسترده‌ای وجود دارد که از ترتیبات سستی که در آن مدیریت نظم از طریق توزیع متناسب قدرت یا موازنه تأمین می‌شود گرفته تا اقدامات همکاری جویانه متنوع در سطح مدیریتی نظم مانند کنسرت قدرت‌های بزرگ، امنیت دسته جمعی و جامعه امنیتی تکثرگرا یا درجه‌ای از همگرایی را شامل می‌شود. جمهوری اسلامی ایران برای سال‌ها تلاش کرده با بهره‌گیری راهبردی از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه و شناساندن خود به عنوان یک قدرت و بازیگر منطقه‌ای فعال در منطقه خاورمیانه، الگوی مورد نظر از نظم را در مناسبات امنیتی خاورمیانه مسلط سازد. الگوی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران را می‌توان «مدیریت دسته جمعی چندجانبه» نامید که برقراری نظم منطقه‌ای را صرفاً حق ویژه و امتیاز کشورهای بزرگ نمی‌داند؛ به بیان دیگر، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است از طریق همیاری مجموعه بازیگران منطقه‌ای، مانع دخالت قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای شود. این الگو در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری اسلامی به ویژه دوره‌های ریاست جمهوری «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» و «سیدمحمد خاتمی» از طریق سیاست «تنش‌زدایی» به طور فعالانه‌ای دنبال شد. با انتخاب «حسن روحانی» و روی کار آمدن دولت یازدهم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی با دگردیسی‌های جدیدی مواجه شد و توجه به کشورهای همسایه و منطقه به عنوان اولویت اصلی مطرح گردید و دولت یازدهم با راهبرد تعامل سازنده و سیاست تنش‌زدایی، نظم مورد نظر خود که همان نظم منطقه‌ای پایدار است، دنبال می‌کند.

بنابراین یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی آقای روحانی، بهبود روابط با همسایگان و به خصوص کشورهای عربی بود. در همین زمینه، آقای روحانی در پاسخ به سؤال خبرنگار شبکه الجزیره درباره رابطه با عربستان، بیان داشتند: «قبله مسلمانان در عربستان است و در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی برای نخستین بار در طول تاریخ، وی به نمایندگی از ایران قراردادی امنیتی با عربستان سعودی را به امضاء رسانده است». در این راستا به نظر می‌رسید با روی کار آمدن دولت یازدهم، کشورهای عربی

نیز تجدیدنظری در روابط خود با ایران داشته باشند. ضمن اینکه آقای حسن روحانی از نزدیکان آقای هاشمی رفسنجانی محسوب می‌شد و دستگاه سیاست خارجی و افراد فعال هر دو آنها به نوعی روابط خوبی را با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و به ویژه عربستان دارشند. با این وجود وقوع برخی حوادث و اتفاقات در عرصه داخلی و بین‌الملل این روابط را به شدت تحت تأثیر قرار داد. از جمله حمله به سفارت عربستان، ظهور داعش و ... که به طور مستقیم بر روابط با کشورهای همسایه و به ویژه عربستان و امارات اثرات نامطلوبی بر جای گذاشت.

۴-۶. ظهور داعش و تروریسم بین‌المللی

ظهور و قدرت گیری داعش در عراق و سوریه از عوامل تهدیدزایی است که تاثیری مستقیم بر امنیت ملی ایران داشته است. داعش تهدیدات فزاینده ای در سطح منطقه ای برای ایران به بار آورد. (حاتمی، ۱۳۹۴: ۳۸) که ناشی از برداشت ایران از این گروه به عنوان تهدید است که از مجموع قدرت، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی آن ناشی می‌شد.

داعش به عنوان قدرتمندترین گروه تروریستی در منطقه، توانست بین سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۴ ضمن تسلط بر گستره سرزمینی بزرگ متشکل از نیمی از سوریه و بیش از یک سوم عراق، حکومتی ایجاد کند که بیش از پنج میلیون نفر را تحت سلطه قرار دهد. داعش در طول سال‌های تسلط بر قلمرو ارضی خود، از تمام ابزارها و منابع اقتصادی برای افزایش توان خود بهره برد. این گروه همچنین اقدام به ضرب سکه تحت عنوان مصطلح دینار و درهم داعش در مناطق تحت سلطه نمود و در نوامبر ۲۰۱۴ مجله انگلیسی زبان داعش (دابق) در صفحه ۱۹ خود از این سکه‌ها رونمایی کرد (۱: ۲۰۱۸: Moos).

داعش به طور خاص کشورهایی را هدف قرار داد که عمق راهبردی ایران و کشورهای اصلی در محور مقاومت را تشکیل می‌دادند. بنابراین، مجاورت با ایران عامل مهمی در تهدیدزایی برای ایران بود. در حالت کلی نوع روابط ایران با همسایگان به گونه ای است که هر نوع تغییر در وضع ژئوپلیتیک قومی کشورهای همسایه بر بافت

قومی ایران نیز موثر خواهد بود. بر این اساس شکاف‌های اجتماعی موجود در برخی از کشورهای منطقه، چالش اساسی برای سیاست خارجی ایران در شرایط ظهور داعش بود. تسلط داعش بر عراق، وضعیت سیاسی و ژئوپلیتیکی نوینی را در منطقه به وجود آورد و کنشگران جدیدی را وارد عرصه سیاسی خاورمیانه کرد. داعش با استفاده از گسل‌های اجتماعی عراق، در ابتدای سال ۲۰۱۵ تا ۵۰ کیلومتری مرزهای غربی ایران در نزدیکی شهرهای جلولای و سعیدیه در استان دیاله نفوذ کند. این امر باعث شد تا عده‌ای داعش را علاوه بر ابعاد تروریستی، قدرتی متمرکز ارزیابی کنند که قدرت بسط ژئوپلیتیک قلمرو خود را دارد. در این چارچوب، سیاست خارجی ایران بر این اعتقاد بود که داعش توان این را دارد تا دولت بغداد را سرنگون کند و موقعیت تهران را در عراق با چالش مواجه سازد (مرادی و سیمبر، ۱۳۹۵: ۴۳-۳۹).

ایدئولوژی بسیج‌کننده داعش را می‌توان همانند قابلیت‌های نظامی که این گروه در اختیار داشته است، بخشی از تهدید علیه ایران به شمار آورد. به ویژه اینکه برخی از اعضای این گروه نیز ایرانی بودند. این مهم در حملات تروریستی داعش در سال ۱۳۹۶ به مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (ره) دیده شد و این احتمال را تقویت کرد که این تفکر در ایران نیز می‌تواند طرفدارانی هرچند بسیار اندک داشته باشد. همین ایدئولوژی داعش که بر مبنای تکفیر غیرهم‌کیش بنا شده، توانست در قالب انگاره‌های سخت و محکم و غیرعمل‌گرا، افراد بسیاری را از سراسر دنیا جذب کند.

برداشت تهدید ایران از گروه تروریستی داعش به طور کلی به چهار مؤلفه مجموع قدرت، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی این گروه برمی‌گردد. در این شرایط سیاست خارجی ایران در برابر این گروه به شکل موازنه تهدید تجلی یافته است و ویژگی عمده این سیاست خارجی، حضور فعال در برابر این گروه به شکل موازنه تهدید تجلی یافته است. ویژگی عمده این سیاست خارجی، حضور فعال نهادهای نظامی در شکل ده به سیاست خارجی ایران است که در این راه به ویژه می‌توان به نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بالانحص نیروی قدس اشاره نمود. این نهاد به وسیله کمک‌های مستشاری به درخواست دولت‌های عراق و سوریه درصدد مقابله با داعش برآمد که تلاش‌های مجاهدت‌آمیز شهید سلیمانی

دیگر ویژگی سیاست خارجی ایران را می‌توان تأکید بر راهبردهای بازدارنده توصیف نمود. یک عرصه مهم بازدارندگی ایران را تمرکز بیش از همه بر توان و قدرت موشکی تشکیل می‌دهد که در مقابله با داعش نیز مورد استفاده قرار گرفت. موضوع دیگر، حمایت از نقش حزب الله لبنان و نیروهای مقاومت به عنوان بازوی مکمل ایران تلقی می‌شود. رفتارهای حمایتی ایران از حزب الله، زمینه‌های بالفعلی را برای دفع تهدید داعش فراهم آورده است. راهبرد دیگر ایران ایجاد ائتلاف با روسیه بود. در این ائتلاف دو کشور دارای زمینه‌های تهدید و منافع مشترکی با یکدیگر هستند. از طرفی، ایران و روسیه رژیم بشار اسد در سوریه را متحد راهبردی خود در خاورمیانه می‌دانند که نباید در دام غرب و متحدین منطقه‌ای آن گرفتار شوند. در طرف دیگر، هر دو کشور با تهدید تروریسم داعش مواجه هستند. به طور ویژه از آنجا که بسیاری از اعضای داعش روس تبار بودند، روسیه از گسترش تروریسم به محیط امنیتی خود نگران بود. علاوه بر این تحرکات دیپلماتیک ایران نیز در مقابله با گروه داعش افزایش قابل توجهی داشت (اردم و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۷)

۴-۷. مسئله اپیدمی شیوع ویروس کرونا

در اواخر دسامبر ۲۰۱۹، نوع جدیدی از کرونا ویروس به نام کووید ۱۹ (COVID-19) از وهان چین گزارش شد. با گسترش بسیار سریع این بیماری در چین و پس از آن در سایر نقاط جهان، نگرانی و وحشت زیادی در بین مردم جهان به وجود آمد. سرعت بالای انتشار ویروس، عدم وجود واکسن و درمان اختصاصی قطعی موجب گردید تا کشورها با حجم وسیعی از افراد مبتلا و افزایش مرگ و میر مواجه شوند و چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف بهداشتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... ایجاد شود. به همین دلیل سازمان بهداشت جهانی در سراسر جهان وضعیت اضطراری اعلام کرد. در این میان دولت ایالات متحده در شرایط پاندمی کرونا در جهان که به‌نوعی بدترین شرایط سلامت جهانی نیز محسوب می‌شود، بجای افزایش اقدامات بشردوستانه، تحریم‌های بیشتری علیه ایران که به‌عنوان یکی از کشورهای اصلی درگیر با بیماری کرونا نیز است، وضع نمود. در پی تحریم‌های اقتصادی، ابعاد مختلف حقوق مندرج در

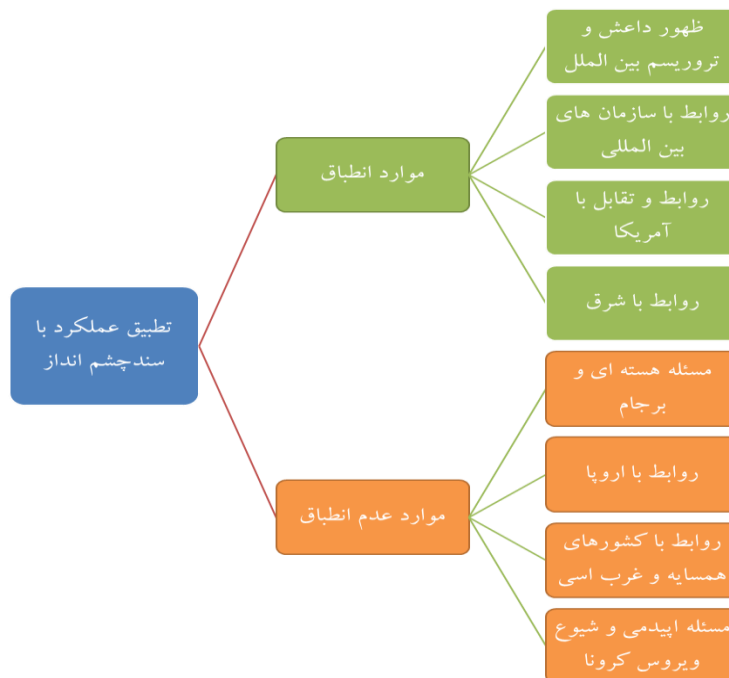
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله حق حیات مورد تضييع قرار می‌گیرند و عملکرد نظام های رفاهی، آموزشی و بهداشتی در زمینه هایی از قبیل حق کار، غذا، استانداردهای مناسب زندگی و... به شدت تحت الشعاع قرار گرفته و مختل گردید و دشوار شدن نقل و انتقالات مالی به کاهش واردات دارو در ایران انجامیده است. علاوه بر این، به علت محدودیت شدید دسترسی دولت ایران به منابع ارزی مسئله تأمین ارز برای خرید دارو دشوار گردید و بطور جدی بر قابلیت و ظرفیت های کشور ایران برای دسترسی به خدمات بهداشتی و درمان، دارو و ملزومات پزشکی تأثیرگذار بوده است.

۲۲۵

روابط بین الملل

سیاستگذاری
خارجی دولت های
یازدهم و دوازدهم
در انطباق با سند
چشم‌انداز جمهوری
اسلامی ایران
۱۴۰۴

واکنش رهبران سیاسی به دنیاگیری ویروس کووید ۱۹، آزمونی جدید در عرصه بین‌الملل به شمار می‌رود و نحوه تصمیم‌گیری سیاستمداران در شرایط گسترش این بیماری، می‌تواند موجب تغییراتی در سیاست خارجی کشورها و سیاست بین‌الملل باشد. در همین حال در مطالعه بحران‌های جهانی، که مستلزم واکنش سریع و مستقیم رهبران است از آن حیث که مطابق نظریات تصمیم‌گیری، رفتار اشخاص، افراد یا گروه‌هایی که در کادر تصمیم‌گیری و تدبیر بحران فعالیت می‌کنند بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان دستاوردهای نظری و عملی بیشتری را برای تحلیل روابط بین‌الملل ارائه داد. از دیدگاه نظریه «پلی‌هیوریستیک» که به سازوکارهای شناختی مورد استفاده تصمیم‌گیرندگان در هنگام اخذ تصمیمات پیچیده سیاست خارجی اشاره دارد، رهبران و تصمیم‌سازان، دستاوردها و خسارات را به صورت سیاسی و نه اقتصادی می‌سنجند. مطابق این نظریه، تصمیم‌گیران در زمان تصمیم‌گیری، از سویی به رد بدیل‌هایی که برای آنان از منظر بقای سیاسی غیرقابل پذیرش است می‌پردازند و از سوی دیگر، بدیل‌های خود را از زیرمجموعه بدیل‌های باقیمانده با ملاحظه افزایش منافع و کاهش خطرات انتخاب می‌کنند. با این وجود بررسی های علمی نشان داده است که تصمیم‌سازان جمهوری اسلامی ایران در بحران کرونا، می‌کوشند تا خود را از انزوا و دیگر پیامدهای حاصل از تحریم‌های آمریکا خارج کنند (شریعتی؛ یوسفی، ۱۳۹۹: ۱۱۵) با این وجود تصمیم‌گیری‌ها در شرایط کرونا تضمین‌ها و پیامدهایی مطلوبی در سیاست خارجی ایران نداشته است.



نتیجه‌گیری

این تحقیق در پی آن بود تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران طی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، را بر مبنای سند چشم انداز بیست ساله‌ی کشور، از طریق میزان تطابق و عدم تطابق عملکرد دستگاه سیاست خارجی کشور طی این سالها با اهداف سند چشم انداز بیست ساله ارزیابی و مشخص نماید.

هرگاه یک برنامه تهیه می‌شود و برای اجرای آن سازماندهی به عمل می‌آید، انتظار این است که هدف های برنامه تحقق پیدا کند و در اجرای برنامه، اطمینان وجود داشته باشد که روند حرکت دقیقاً به سوی اهداف تعیین شده است. اطمینان از این که اجرای برنامه و هدایت آن درست صورت می‌گیرد و در صورت مشاهده انحراف، اقدام لازم برای تصحیح آن به عمل می‌آید، نیازمندی فرایندی است که می‌توان آن را ارزیابی نامید. در محیط پیچیده بین الملل کنونی، نمی‌توان بدون ارزیابی سیاست خارجی، روابط و

تعاملات موثر و سازنده با سایر بازیگران بین‌المللی برقرار نمود. برای دستیابی به یک سیاست خارجی مطلوب، یکی از مهمترین نیازها، ارزیابی عملکرد گذشته‌ی دستگاه سیاستگذاری است تا از این طریق بتوان نقاط قوت و ضعف آن را شناسایی نمود و ایرادات گذشته را برطرف و اقدامات مقتضی را در برنامه‌ریزی‌های آتی، مدنظر قرار داد.

برای انجام این امر، آن چه در وهله نخست اهمیت دارد، ارائه مدلی مناسب برای ارزیابی عملکرد یک مجموعه است. مدلی که در این پژوهش جهت ارزیابی سیاست خارجی مورد استفاده قرار گرفت، مدلی است که در آن سه فاکتور مهم تغییر و تحولات بین‌المللی، مدنظر قراردادن اهداف و چشم‌اندازهای کلان آتی نظام و نیز توجه همزمان به شاخص‌های کمی و کیفی در سنجش و ارزش‌گذاری عملکرد ۸ ساله سیاست خارجی مورد توجه قرار گرفت.

بر اساس شواهد و قرائن موجود، به خصوص آثار، عملکرد و سخنرانی‌های آقای روحانی، دولت‌های یازدهم و دوازدهم می‌توان گفت این دولت به سیاست اعلامی و تلاش‌های آقای روحانی برای ایجاد وفاق ملی و اجماع و استفاده از همه‌نخبگان از همه‌طیف‌ها در عرصه سیاسی و اقتصادی کشور، طرح‌ایده‌تعامل سازنده با جهان با محورهایی همچون تنش‌زدایی اعتمادسازی، شفافیت و بهبود چهره و اعتبار اشاره نمود. ضمن اینکه آقای روحانی با طرح این موضوع که باید رشد و توسعه اقتصادی در اولویت قرار گیرد و برای این کار باید با تمامی کشورهای جهان به خصوص کشورهای پیشرفته تعامل داشت، عملاً به وظایف و اهداف یک دولت توسعه‌گرا اشاره نموده‌اند. همچنین تاکید ایشان در جهت تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مسئله هسته‌ای، اقدامی برای خروج از بحران و عادی‌شدن فضا و دوری جوء امنیتی برای ایجاد فضای مناسب رشد و توسعه اقتصادی کشور است. در نهایت یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی آقای روحانی، بهبود روابط با اروپایی‌ها، مذاکره با آمریکا و ایجاد توازن در رابطه با چین بوده است؛ که این اقدامات نیز با هدف تقویت هویت صلح‌طلب ایران، دوری از جوء امنیتی و در نتیجه ایجاد زمینه و فرصت برای اقتصاد کشور صورت گرفت. در این خصوص

باید وضعیت خاص همه‌گیری بیماری کرونا در دو سال پایانی دولت دوازدهم را نیز در نظر گرفت.

با این حال در بحث انطباق عملکرد دولت های یازدهم و دوازدهم با سند چشم انداز بیست ساله ۱۴۰۴ نمی توان به طور قاطع ادعای انطباق یا عدم انطباق را مطرح نمود و بر این اساس جدول زیر از دیدگاه نگارنده گویای موارد انطباق و عدم انطباق عملکردهای مختلف و مهم دولت یازدهم و دوازدهم در حوزه سیاست خارجی با سند چشم انداز می باشد

منابع

اختیاری امیری؛ رضا؛ صالحی خنار، محبوبه. (۱۳۹۶). «بررسی علل و زمینه های گسترش روابط ایران و چین در عصر پساجام»، *دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل*، سال اول، شماره اول.

اردم، نیلوفر؛ امام جمعه زاده، سید جواد؛ گودرزی، مهناز. (۱۳۹۹). «تحلیل سیاست خارجی ایران در مقابله با گروه تروریستی داعش ۲۰۱۴-۲۰۱۸»، *دوفصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی*، دوره نهم، شماره اول.

اکرمی نیا، محمد. (۱۳۹۲). «راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به اهداف چشم انداز ۱۴۰۴»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال شانزدهم، شماره ۲.

ایزدی، جهانبخش؛ خلفی، فرزاد. (۱۳۹۰). «راهبردهای تعامل موثر و سازنده ایران در نظام بین‌المللی بر پایه سند چشم انداز»، *فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری*، سال دوم، شماره ۳.

بهبادیان، مجید. (۱۳۷۹). *مدیریت استراتژیک با کارت امتیاز متوازن*، ارائه شده در هفتمین همایش دانشجویی مهندسی صنایع، تهران.

حاتمی، محمدرضا. (۱۳۹۴). «کارویژه تحولات سوریه در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۴.

دانشفرد، کرم اله، کاوه وحدانی، و غسل آغاز. (۱۳۸۹). «بررسی نقش پیاده سازی کارت امتیاز متوازن در بهبود عملکرد سازمان»، *فصلنامه رهبری مدیریت آموزشی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. سال چهارم. شماره ۲.

دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال. (۱۳۸۷). *چهارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

رحیمی، غفور. (۱۳۸۵). «ارزیابی عملکرد و بهبود مستمر سازمان»، *مجله تدبیر*، شماره ۱۷۳.

۲۲۹

سجادپور، محمدکاظم؛ نوریان، اردشیر. (۱۳۸۹). «برنامه ریزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بررسی رابطه قدرت منطقه ای اقتصاد و سیاست خارجی بر اساس سند چشم انداز». *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۶.

سلیمانی، غلامعلی. (۱۳۹۰). «نقد و بررسی مدل عقلانی تصمیم گیری در سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و پنجم، شماره ۲.

شریعتی، شهرروز؛ یوسفی، امین. (۱۳۹۹). «پاندمی کرونا و تحلیل پلی هیوریستیکی سیاست خارجی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۱۵، شماره ۲.

صفوی همامی، سید حمزه. (۱۳۸۷). *کالبد شکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

علوی، سمانه. (۱۳۹۵). «ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای سند چشم انداز و سیاست های کلی نظام»، *فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان*، سال ۴، شماره ۱۵.

قائم پناه، صمد. (۱۳۹۷). «بررسی روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در دوره پسابرجام»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال چهاردهم، شماره ۴۵.

مرادی، سجاد؛ سیمیر، رضا. (۱۳۹۵). «شکاف های اجتماعی عراق و تأثیر آن بر سیاست های خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۴، شماره ۹.

ملکی فر، عقیل و محمد شالچی فر. (۱۳۸۴). «راهنمای گام به گام پیاده سازی کارت امتیاز متوازن به عنوان یک سیستم ارزیابی استراتژیک». *مدیریت فرد*. سال سوم. شماره ۹ و ۱۰.

موسی خانی، مرتضی، دادخواه، داود، و رقیه حسن زاده. (۱۳۸۸). «ارائه ی یک چارچوب مفهومی برای ارزیابی عملکرد دانشگاه». *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار*. سال سوم. شماره ۳.

لهی، شعبان. (۱۳۷۸). *مثلث عملکرد سازمانی (ارزیابی عملکرد دستگاه های اجرایی کشور)*. ارائه شده در کنگره ی شهید رجایی. تهران.

واعظی، محمود. (۱۳۸۷). *راهبرد تعامل سازنده و الزامات سیاست خارجی توسعه گرا*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

Amsden, A, (1989) *Asia's Next Giant: South Korea and Late Industrialization*, Oxford: Oxford University Press

Ashley, Richard, (1988), "Foreign Policy as Political Performances", *International Studies Notes*, No. 13, fall.

Ben-gera, Michal, 2009, Coordination at the center of government for better policy making, conference paper.

Forrester, J, (1987) Lessons from system dynamics modeling, *system dynamic review*, 3(2)

Moos, Oliver, (2018), the return of the gold Dinar – an analysis of the Islamic state coin production, religious cop, 23 December.